

منظومه ویس و رامین یکی از مثنوی‌های بدیع زبان فارسی است که آن را فخرالدین اسعد گرگانی در سال ۴۴۶ ق میانه سده پنجم هجری سروده است. از این منظومه علی‌رغم شهرت فراوان، نسخه‌های خطی متعدد شناسائی نشده و در دسترس نبوده است. نخستین بار اسپرینگر دست‌نویس مغلوطی از آن را در هند به دست آورد. نسخه او را کاپیتان ولیم ناسولیس به همراهی منشی احمد علی تصحیح و در سال ۱۸۶۵ م در کلکته به چاپ سنگی رساند. چاپ مزبور گو آنکه در حقیقت تکثیر یک نسخه خطی پر غلط بود و شرایط ویرایش انتقادی در آن وجود نداشت ولی حق تقدم را برای کوششگران محفوظ می‌دارد. از آن پس وزارت معارف ایران به منظور تصحیح انتقادی و چاپ این منظومه با شادروان استاد مجتبی مینوی قرارداد بست و مینوی که در آن روزگار در خارج کشور و بیشتر در انگلیس می‌زیست به تصحیح آن با استفاده از نسخه معتبر پاریس همت گماشت و قرار گذاشت که متن کامل منقح خود را در دو جلد منتشر سازد، جلد اول حاوی متن انتقادی و جلد دوم مشتمل بر تعلیقات و یادداشت‌ها و تحقیقات مصحح باشد.

متن کامل اثر همراه با مقدمه‌ای بسیار مختصر در سال ۱۳۱۴ ش در انتشارات بروخیم به چاپ رسید. مصحح وعده داد که در جلد دوم به تفصیل درباره سراینده و منظومه داد سخن بدهد. اما این وعده به انجام نرسید. مینوی در ایق خصوص پیوسته با تهران و وزارت فرهنگ در تماس بود و نامه‌نگاری داشت اما

توفیق اتمام کار را پیدا نکرد. متن چاپ شده او یکبار دیگر در سال ۱۳۳۷ ش تجدید طبع گردید. هم‌زمان شادروان دکتر محمدجعفر محجوب به ویرایش مجدد این اثر همت کرد و آنرا در همین سال در تهران به چاپ رساند. اما چاپ محجوب به طور کلی متکی بر تصحیح مینوی است ولی اختلافات با چاپ کلکته را بهتر نشان داده است.

ویس و رامین شاید صد سالی پس از سرودن به دست مترجمی گرجی به این زبان برگردانده شد. نسخه‌ای که مترجم گرجی در اختیار داشته، دست‌نویسی اصیل شاید به نظر سراینده رسیده بوده است. از این رو توجه به ترجمه گرجی از کارهای ضروری برای تصحیح معتبر این منظومه است. این ترجمه را دو تن از ایران‌شناسان گرجی حدود سی سال پیش بر اساس نسخه‌های متعدد ویرایش، در تفریس به چاپ رساندند. این دو یعنی ماگالی تودرا و الکساندر گواخاریا متن فارسی آن را نیز آماده و در سال ۱۳۳۹ ش جزوات انتشارات بنیاد فرهنگ ایران منتشر کردند. تصحیح فارسی این منظومه را نامبردگان با یاری کمال عینی دانشمند تاجیکستانی فراهم آوردند. آنان ده دوازده دست‌نویس در اختیار داشتند و از اغلب آنها استفاده کردند. افزون بر آن، متن فراهم آورده خود را با ترجمه گرجی تطبیق داده و بسیاری اشکالات را از این طریق برطرف ساختند. به این ترتیب چاپ آنان از چاپ‌های سابق مضبوط‌تر و صحیح‌تر است.

از سوی دیگر شادروان مینوی همان‌طوریکه در مقدمه ویس و رامین وعده داده و در نامه‌ها و مقالات خود از جمله در مقالات مندرج در مجله سخن سال ششم یادآور شده، یادداشت‌ها و مطالب متعدد برای جلد دوم فراهم آورد که به تصریح خود او بالغ بر ۶۰۰ صفحه می‌گردید. اما پیوسته در فکر تکمیل آن بود و وجه فعلی وی را اقناع نمی‌کرد. او در نامه‌هایی که به وزارت فرهنگ می‌نوشت پیوسته تقاضای استمهال و

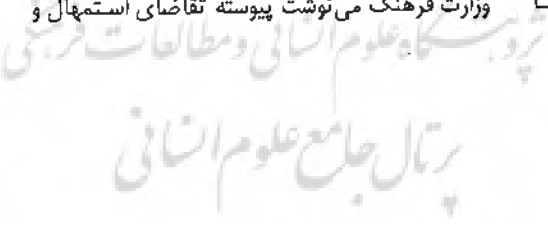
تعویق چاپ جلد دوم را داشت. از مضمون نامه‌های او برمی‌آید که در اول مقرر بوده که یکسال بعد چاپ جلد دوم شروع شود اما تا پنج سال بعد هم او تقاضا می‌کرد که فرصت بیشتری به او داده شود. یادداشت‌ها سرانجام چاپ نشده باقی ماند. و بعداً جزو مدارک مفصل برجای مانده در کتابخانه مینوی که اکنون وابسته به پژوهشگاه علوم انسانی است قرار گرفت. به گونه‌ای که از فهرست اجمالی آنها برمی‌آید نگاه کنید به فهرستواره کتابخانه مینوی، ایرج افشار و دانش پژوه ص ۲۲۷)) چند جزوه‌دان آن ویژه ویس و رامین است. اینک که دو تن از پژوهشگران دانشمند پژوهشگاه به کار تدوین یادداشت‌های مینوی پرداخته و تاکنون یک جلد آن را نیز انتشار داده‌اند انتظار و امید می‌رود که یادداشت‌ها و مطالب مفصل مربوط به ویس و رامین را نیز جداگانه گردآوری و در مجلدی خاص به چاپ سپارند. نگارنده این سطور از سال‌ها پیش زیرا کسی از دو نامه مرحوم مینوی را که در سال‌های ۱۳۱۵ و ۱۳۱۹ ش به وزیر وقت فرهنگ درین خصوص نوشته بود در اختیار داشت و دنبال مناسبتی برای انتشار آنها بود، اکنون که چاپ جدید این منظومه به کوشش استاد محمد روشن انتشار یافته و به دنبال آن نشریه کتاب ماه ادبیات مصاحبه‌ای با ایشان را منتشر ساخت فرصت را مغتنم شمرده و آنها را برای چاپ و انتشار به نشریه مذکور تقدیم می‌دارد:

نامه اول شادروان استاد مجتبی مینوی به وزارت فرهنگ مورخ ۱۳۱۵/۱۰/۲۵

بعدال عنوان... دستخط وزارتی مورخ ۶ دی ماه جاری زیارت شد. قبلاً باید معذرت بخواهم که چون از اصطلاحات موضوعه و تعبیرات جاریه که در این یک سال اخیر، حسب الامر متداول شده و باید در مکاتبات به کار برد، اطلاعی ندارم. به همان سبک عادی در باب

سیدعلی آل داود

دو نامه منتشر نشده از مجتبی مینوی درباره ویس و رامین



چاپ جلد دوم ویس و رامین خاطر مبارک را مستحضر می‌دارد: تهیه مواد لازم برای جلد دوم کتاب مزبور از مقدمه و فهرست‌ها و فرهنگ لغات و جدول اختلاف قراءات کاملاً به انجام رسیده و برای چاپ حاضر است، الا اینکه با نبودن بنده در تهران و نداشتن کسی که در آنجا متصدی طبع و تصحیح کتاب گماینگی بشود انتشار جلد دوم برای بنده علی‌المجاله مقدور نیست و وسیلهٔ مراجعت به وطن هم ندارم.

چون بر خلاف آرزوی مغرضان که جامهٔ نام بنده را به رنگ بد خدمتی سیاه کرده‌اند، خدا بندهٔ خود را بی‌روزی نمی‌گذارد و تا وقتی که بنده اینجا هستم لقمهٔ نانی که بدان سدرمق توان کرد به دست می‌آید. فعلاً به ادامهٔ تحصیل و تتبع و تحقیق مشغول و به فرض ختم کار هم، به واسطهٔ عدم استطاعت پرداخت خرج مسافرت به ماندن مجبورم.

بنابراین استدعا دارد مرحمت فرموده مهلت یک‌ساله را تمدید و یک سال بر آن مزید فرمایند که اجبار انتشار جلد دوم به جای پایان سال جاری به انتهای سال ۱۳۱۶ منتقل گردد. امید است که در عرض این مدت وسیله‌ای برای بازگشت بنده به تهران فراهم آید و البته به مجرد مراجعت به چاپ جلد دوم دست خواهم زد. منتظر زیارت مرقومات شریف و اصغای اوامر مطاع می‌باشد. مجتبی مینوی.

نامهٔ دوم مینوی به وزارت فرهنگ مورخ ۱۳۱۶/۱۲/۱۲
زیارت دستخط وزارت مورخ ۱۲ فروردین ماه سال جاری موجب امتنان این جانب گردید. بدیهی است که از تمدید مدت‌های متوالی که وزارت جلیله در مورد انجام تعهد این جانب در طبع جلد دوم ویس و رامین منظور فرموده‌اند بنده چنانکه باید استفاده کرده‌ام و موفق به جمع مقدار معتنی بیهی یادداشت‌ها که گمان می‌کنم برای روشن ساختن موضوع و ابیات کتاب و شرح

مواضع مشکلهٔ آن و بیان احوال مؤلف و غیره بی‌فایده نباشد گردیده‌ام که در غیر این صورت (یعنی اگر این مهلت وسیع به بنده داده نشده بود که در لندن با دسترس داشتن به این همه کتب چاپی و خطی به تتبع مشغول شوم) تهیه کردن این یادداشت‌ها غیر ممکن بود. موادی که تا به حال برای جلد دوم ویس و رامین فراهم آورده‌ام تقریباً دو برابر قطورتر از آن مقداری که از ابتدا در خیال و مطابق طرح بنده و قرارداد با وزارت جلیله بود، شده است. یعنی به جای ۳۰۰ صفحه که برای جلد دوم در نظر داشتیم اینک تقریباً معادل ۶۰۰ صفحه مطلب دارم، و به همین جهت مجبور شده‌ام تمام آن اوراق پاک‌نویس شدهٔ حاضر را تجدید نمایم. ولی از این گذشته چند فقره اشکال تازه در پیشرفت کار پیش آمده که ذیلاً برای استحضار خاطر اولیای وزارت جلیله بیان می‌شود:

۱- راست است که آقای یغمایی لطفاً، چاپ کردن جلد دوم و زحماتی را که مستلزم این کار است به عهده گرفتند و بنده را از این بابت قرین امتنان ساخته‌اند، اما از قراری که ایشان نوشته‌اند کتابخانهٔ بروخیم که قرارداد چاپ کتاب را با ایشان بسته‌ام یک مشت توقعات بی‌جا و ادعاهای عجیب کرده‌اند، از آن جمله اینکه دو بیست سیصد تومان نقد و بیست و بیست و پنج هزار تا ایشان دست به چاپ کتاب بزنند، بنده در تهران جز مقداری قرص مایه‌ای ندارم که بتوانم مبلغی قبلاً به کتابخانه بدهم.

۲- یک نسخهٔ بسیار خوب و کامل از ویس و رامین در کتابخانهٔ عمومی استانبول سراغ کرده‌ام که برای تهیه عکس آن اقلای پانزده لیرهٔ انگلیسی خرج خواهد شد و این هزینه‌ها از عهدهٔ بنده خارج است و به آقای سردنیس راس مدیر سابق مدرسهٔ السنهٔ شرقیه لندن که فعلاً در ترکیه هستند کماغذی نوشته و خواهش کرده‌ام تحقیق کنند که آیا ممکن است نسخه موقتاً به طور امانت به لندن فرستاده شود که بنده از آن استفاده

کنم یا خیر، و فعلاً منتظر جواب ایشان هستم.
۳- بعد از آنکه اوراق کتاب برای مطبعه حاضر شود نمی‌دانم با اشکالاتی که در این ایام جنگ برای فرستادن مکاتیب و مطبوعات موجود است چه معامله‌ای با آنها خواهد شد. بنابراین از وزارت جلیله متبوعه استعلام می‌کنم که آیا ممکن است از وزارت امور خارجه درخواستی نمایند تا به سفارت جلیلهٔ دولت علیه دستور بدهند که اوراق را جزء مرسولات سفارتی بفرستند یا خیر.

یک نفر دیگر از دوستان بنده آقای یحیی مهدوی نیز نوشته و تقبل کرده‌اند که اگر زحمت چاپ کتاب برای آقای یغمایی بار گرانی باشد زحمات طبع را ایشان (یعنی آقای مهدوی) به عهده بگیرند، ولی قبل از اینکه ترتیب صحیحی با کتابخانهٔ بروخیم داده شود که تقاضای خارج از طاقت بنده نداشته باشند شروع به چاپ کتاب به وسیلهٔ هر یک از آقایان که باشد عملی نیست.

بدیهی است در حینی که این مذاکرات در جریان است و بنده به انتظار می‌گذرانم کاری صورت نمی‌گیرد و بنابراین لازم می‌دانم استدعا کنم وزارت جلیلهٔ متبوعه مرحمت را کامل فرموده همان طور که در مرقومهٔ اخیر وعده فرموده‌اند مهلت بیشتری بدهند.

علاوه بر این آیا ممکن است تمنا کنم وزارت جلیلهٔ فرهنگ از وزارت جلیلهٔ امور خارجه خواهش نمایند که به سفارت دولت علیهٔ شاهنشاهی در لندن دستور بدهند گذرنامهٔ خدمت این بنده را که فعلاً در دفتر سفارت مضبوط است مسترد نمایند.

متجاوز از یک سال پیش از این دو جلد سفرنامهٔ یک تاجر انگلیسی نام را به عنوان هدیه به وسیلهٔ وزارت جلیلهٔ فرهنگ برای کتابخانهٔ ملی تقدیم داشتم و استدعا کردم وصول آن را مرقوم فرمایند و تا به حال نمی‌دانم که واصل شده است یا خیر. منتظر اوامر مطاعهٔ وزارت جلیلهٔ متبوعه می‌باشد. مجتبی مینوی. □

پوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پایه جامع علوم انسانی

